



● **چه عاملی شما را به موضوعات شهری علاقه‌مند کرده که مجموعه تابلوهای کوچه‌ها حاصل آن شده است؟**

فکر می‌کنم دو عامل نقش داشته است. یکی اینکه من به طور کل از همان اول که نقاشی کردم موضوعات کارم چیزهای دور و برم بود. اول اتاقم، بعد تلاحاط خانه و بعد هم یک قدم آدمم بیرون و شد این کوچه‌ها. یا مثلا ایستگاه‌های راه آهن که بخشی از دوران بچگی را آنجا گذراندم.

مسورد دوم هم از علایق مطالعاتی وارد شد. یعنی موضوعات اجتماعی و شهری به طور کل در گبری ذهنی همیشگی‌ام بوده است. رابطه بین سازه‌ها و فضاهای شهری و ذهنیت انسان. به ویژه اینجا رابطه این فضاهای شهری حاشیه نشین و تأثیرات ذهنی و روانی آن بر مردم. البته خب این بحث مفصلی است...

● **اشاره کردید به رابطه بین سازه‌ها و فضاهای شهری و ذهنیت انسانی، اینها را متاثر از هم می‌دانید، این آشنفتگی سازه‌ها و به هم ریختگی، امتدادش به کجا ختم می‌شود؟**

می‌شود از منظرهای مختلفی نگاه کرد. از منظر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم دیگر، سال‌هاست که این تأثیرات مطالعه می‌شود. امروزه کاملا آشکار شده است که هیچ چیز به اندازه مکان و فضای زیست انسانی بر ذهن و روان‌اش تأثیر ندارد. بدیهی است که این آشنفتگی به هانهجاری خانوادگی و روان‌پریشی و آسیب‌های اجتماعی بزرگی منتهی می‌شود.

البته باز هم باید بگویم که هنرمند متخصص این مسائل نیست و کار هنری هم قرار نیست مطالعه این مسائل باشد. هنرمند جامعه‌شناس یا روانشناس نیست. کار نقاش یا هنرمند به قول کامسو قضاوت کردن نیست نشان دادن است. هنرمند فقط شاهد است.

● **آیا کوچه‌های قزوین خصوصیتی دارند که برای ثبت بر بوم نقاشی انتخاب شده‌اند؟**

گفت و گو

چاپ: سیمرغ

آدرس: قزوین، خیابان آیت اله کاشانی (باغ دبیر)، کوچه آزاد، پلاک ۲، هفته نامه پیام شهر.

شماره تماس: ۳۳۳۱۲۴۱

وب سایت: payameshahr.qazvin.ir payamshahr98@gmail.com **پست الکترونیکی:**

■ استفاده از مطالب و عکس‌های نشریه با ذکر منابع آزاد است.

گفت‌و گوی پیام شهر با مهدی چیت‌سازها، نقاش و پژوهشگر هنر؛

کوچه‌ها نشان تغییرات شهری است

لچندی پیش نمایشگاهی در گالری اُ تهران بر گزار شد با عنوان «کوچه‌ها»؛

نقاش این تابلوها مهدی چیت‌سازهاست. هنرمند و پژوهشگر قزوینی که روایتی از حال و هوای کوچه‌ها و رد گذر زمان‌ها را بر تابلوها نشان داده است. کوچه‌ها را زوارگی با خود دارند که به آنها هویتی منحصر به فرد داده و می‌توان آن را حاصل تاملات نقاش بر شهر و شهرنشینی و تغییرات توسعه ناموزون دانست. شاید بتوان از منظر تأثیر محیط بر انسان و اثر انسان بر محیط به مجموعه کوچه‌ها نگریست؛ ولی حاصل کار این هنرمند قزوینی، چشم‌اندازی زیبا از کوچه‌های قزوین و سایر شهرهای ایران را پیش چشم بیننده تصویر می‌کند و این مهم‌ترین نکته است؛ معجزه زیبایی.

مهدی چیت‌سازها، فارغ التحصیل دانشگاه هنرهای زیباست، سال‌ها است به تدریس در دانشگاه‌های مختلف اشتغال دارد، داور اکسپو و جشنواره‌های نقاشی بوده، کارگردان فیلم کوتاه است، در زمینه‌های پژوهشی نگارش مقاله و سخنرانی دست‌اوردهای شاخصی دارد که اکثرا بر هنر مدرن متمرکز است. این گفت‌گو در خصوص نمایشگاه کوچه‌هاست.

فاطمه شریف نژاد

راستش اینها فقط کوچه‌های قزوین نیستند. این کوچه‌ها از شیراز و بوشهر و گرگان و تهران و رشت هم است. خیلی‌ها هم اصلا وجود خارجی ندارند.

یعنی من خودم ساختم. با کنار هم قرار دادن اجزای

کوچه‌ها.

اما به طور کل بله کوچه‌های جنوب شهر قزوین با آن

به هم ریختگی حاصل از توسعه مدرن در یک بافت سنتی، به این کوچه‌ها فرم خاصی داده که با رویکرد من همخوان‌تر است. مثلا من در جاهای دیگر کمتر به کوچه‌های سرپایینی با شیب تند برخوردم. این نوع کوچه‌ها در قزوین به نظم بیشتر بود و این برای من به دلایل مختلف اهمیت زیادی داشت.

● **بافت قدیمی با معماری سنتی حجم بیشتری از تابلوها را به خود اختصاص داده آیا این رویکردی برای ثبت این محلات است که به شکلی هویت قزوین کهن را نشان می‌دهد؟ چه محلاتی، نگاه و گرایش شما را برای خلق تابلوی نقاشی جذب می‌کنند؟**

نه اصلا. در این کوچه‌ها بافت سنتی نه اولویت

راستش اینها فقط کوچه‌های قزوین نیستند. این

کوچه‌ها از شیراز و بوشهر و گرگان و تهران و رشت

هم است. خیلی‌ها هم اصلا وجود خارجی ندارند.

یعنی من خودم ساختم. با کنار هم قرار دادن اجزای

کوچه‌ها.

اما به طور کل بله کوچه‌های جنوب شهر قزوین با آن

به هم ریختگی حاصل از توسعه مدرن در یک بافت

سنتی، به این کوچه‌ها فرم خاصی داده که با رویکرد

من همخوان‌تر است. مثلا من در جاهای دیگر کمتر

به کوچه‌های سرپایینی با شیب تند برخوردم. این نوع

کوچه‌ها در قزوین به نظم بیشتر بود و این برای من به

دلایل مختلف اهمیت زیادی داشت.

● **بافت قدیمی با معماری سنتی حجم بیشتری از تابلوها را به خود اختصاص داده آیا این رویکردی برای ثبت این محلات است که به شکلی هویت قزوین کهن را نشان می‌دهد؟ چه محلاتی، نگاه و گرایش شما را برای خلق تابلوی نقاشی جذب می‌کنند؟**

نه اصلا. در این کوچه‌ها بافت سنتی نه اولویت

هفته نامه اطلاع رسانی شهرداری قزوین

صاحب امتیاز: شهرداری قزوین

مدیرمسئول: عادلہ مهرابی

سردبیر: مریم جواهران

صفحه آرایی و گرافیک: محمد (مرتضی) ماعلیا

پیام شهر قزوین

پنج شنبه اول مهرماه ۱۴۰۰ | ۱۶ صفر ۱۴۴۳ | شماره ۳۷۰

هنر



غایت نیست. در نقاشی رابطه‌ای ظریف بین واقعیت و مفاهیم زیبایی‌شناسانه وجود دارد که هر نقاش با توجه به دیدگاه و درک و دریافتش تلاش می‌کند تا بپوندی بین آنها ایجاد کند. برای من هم کوچه‌ها از یک سو واقعی عینی و اجتماعی است و از سوی دیگر واقعیتی ذهنی و زیبایی‌شناسانه. بنابراین این کوچه‌ها از یک سو بخشی از سازه‌های شهری ایران‌اند و از سوی دیگر مفهومی زیستی و سازه‌ای زیبایی‌شناسانه که باید پیوندی بین آنها ایجاد کنم. بنابراین دخل و تصرف در واقعیت همواره ابزاری ضروری و موثر در رسیدن به آفرینش جهان هنر است.

حضور شهر قزوین در هنر نقاشی معاصر را چطور ارزیابی می‌کنید؟

خود شهر که عملا حضوری ندارد. منظورم این است مثلا نه گالری دارد نه بر گزار کننده جشنواره‌ی ملی است و نه موضوع کار؛ اما هنرمندان قزوین کم و بیش به اندازه بضاعتی که یک شهر نه چندان بزرگ داراست، حضور خوبی دارند. البته در دوران جدید کمتر هنرمندان در زادگاه خودشان می‌مانند. به همین دلیل همه اتفاق‌های هنری عمدتا در پایتخت است. از این منظر فرقی بین شهرها نیست...

فاصله زیادی را با واقعیت ایجاد کردید، این شیوه فضای رئالیستی را سمت و سویی متفاوتی بخشیده، در صورت امکان در مورد تکنیک‌ها توضیح بفرمایید.

بله واقعیت همواره چیزی جز تفسیر ما از واقعیت نیست. در تاریخ هنر هم نگاه کنید واقعیت همیشه متأثر از دیدگاه هنرمند یا گفتمان حاکم بر آن دوره است. من هم در برخورد با این کوچه‌ها از یک سو به عنوان فردی که در آنها بزرگ شده دریافتی شخصی داشتم و از سوی دیگر به عنوان یک ناظر بیرونی تحلیلی‌کیفی.

همه کارها رنگ و روغن روی بوم هستند. ابتدا من از کوچه‌ها عکاسی می‌کنم بعد شروع می‌کنم به اتود زدن. در این مرحله عمدتا با چاب‌جایی عناصر و رنگ‌ها تلاش می‌کنم به ترکیبی که دوست دارم برسم. بعد از آن کار را شروع می‌کنم...

● **در تابلوها کیفیتی از واقعیت را ساختید که یکی از شاخص‌هایش رد زمان است و دیگری انتخاب اجزا از شهرهای مختلف، در انتخاب این اجزا چه رویکردی را دنبال کردید؟ واقعیت برای نقاش یک سکوی پرش است. هدف و**



است که معتقدم ما هم پس از قرن‌ها مانند حضرت زینب(س) در کربلا و در راه رسیدن به کربلا چیزی ندیدیم جز زیبایی.

● **تجربه حضور در این راهپیمایی چه بازخوردهای تصویری داشت؟ آیا این بازخوردها در این مستند استفاده شده است؟** اگر منظورتان از بازخورد این است که بعد از تصویربرداری اولیه تا تدوین و ارائه نسخه نهایی بازخوردهایی دریافت کردیم که بر کار اثر بگذارد خیر چنین بازخوردی نداشتیم؛ چون اساسا در مستندهای تک قسمتی یا حتی مستندهای چند قسمتی که تمام قسمت‌هایش قبل از اینکه مخاطب ببیند تولید می‌شوند، مسئله بازخورد خیلی تعریف نشده؛ ولی بعد از پخش قطعاً بازخوردهای بسیار متفاوت و مختلفی را دیدم که به خودم خیلی کمک کرد؛ ولی به کار خیر. اینکه من در اوایل صحبت در معرفی خودم گفتم هنر به من کمک کرده و مطمئن نیستم من هم به هنر کمک کرده باشم یا نه تأییدش را در همین سوال شما و پاسخم می‌توان یافت. نظرات و بازخوردها حول اثر هم به لحاظ انسانی هم به لحاظ اعتقادی و هم به عنوان کسی که دوست دارم باز هم فیلم بسازم کمکی زیادی به خودم کرد که اگر عمری باشد و فیلم دیگری، شاید بتوان اثرش را یافت.

● **رویگردتان بیشتر بر کدام وجه راهپیمایی بوده، حضور گسترده، خرده فرهنگ‌ها، یا ارتباطاتی که در این مناسک شکل می‌گیرد؟**

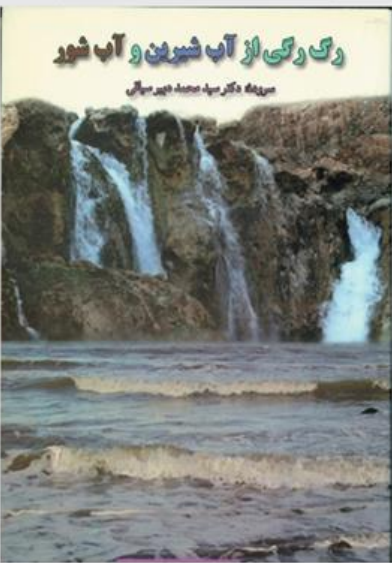
حدیث غدیر

پیامبر اکرم(ص):

شیطان پیوسته از فرزندان آدم در وحشت و هراس است تا آنگاه که نمازهایش را به دقت و با شرایط و آداب می‌خواند. پس اگر نماز را ضایع نموده (و در وقت مقرر آن به جا نیاورد)، شیطان بر او چیره می‌شود و او را در گناهان کبیره می‌اندازد و وی را گرفتارمی‌کند.

(بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲)

شهر کتاب



رنگرنگی

از آب شیرین و آب شور

سید محمد دبیرسیاقی

انتشارات حدیث امروز- چاپ اول ۱۳۸۸-شمارگان: ۱۰۰۰-انسخه-۱۵۳صفحه

دفتر اشعاری از دکتر دبیرسیاقی، شاگرد نامدار علامه دهمدخا و استاد دانشگاه با مقدمه‌ای فاضلانه از میراحمد طباطبایی شامل ۳۳ قطعه شعر که عمدتا قصیده و مثنوی و با زبان فاخر و فحیم سروده شده؛ اما قطعاتی همچون از یادگار صبح و شام، سه گل در باغچه، صبح عید، حماسه صحرأ، مرگ برگ و چشم مبین در قالب چارپاره(دوبیتی‌های پیوسته) است؛ ضمن آنکه قطعه مثنوی ((بر مرگ پرویز)) در رثای دکتر پرویز ناتل خانلری از قطعات جالب توجه این مجموعه شعر است. کاربرد آرکائیک زبان، تشبیهات و استعارات دیر آشنا در جای‌جای این دفتر به چشم می‌خورد. از نکات مورد ذکر در این کتاب، بخش دوم آن است که استاد دبیرسیاقی، پنجاه قطعه از عیبید زاکانی را غالبا در قالب مثنوی کوتاه، به نظم درآورده و ارائه کرده است. آثاری که مخاطب امروزی کمتر با آن آشنایی دارد. قدیمی‌ترین شعر این کتاب، مثنوی برز زگر و شاعر، سروده سال ۱۳۱۹ و آخرین قطعه متعلق به سال ۱۳۸۱ است. به عبارت دیگر، این ۳۳ سروده یادگار بیش از ۷۰ سال کار ادبی مانا یاد دکتر دبیرسیاقی محسوب می‌شود.

راهنمای ادبیات معاصر قزوین- موسسه فرهنگی هنری خانه کتاب به آفرید

بر همه این عناصر که گفتیم ما تاکید داشتیم هم بر حضور گسترده هم خرده فرهنگ‌ها و هم ارتباطاتی که شکل می‌گیرد که اتفاقا اینها لازم و ملزوم یکدیگر هم هستند و به زیبایی این رخداد خیلی کمک می‌کنند.

در خصوص حضور گسترده واقعا به قدری این حرکت هم به لحاظ نمادین و هم به لحاظ انسانی و هم حماسی زیباست که هم جعری که گفتم اتفاق می‌افتد و هم خونتان به عنوان یک انسان توحیدی به جوش می‌آید و اینها همه از ره‌آورد همین حضور گسترده است. پس نمی‌توان راحت از کنارش گذشت. در کنار آن به هر کسی که در مسیر مرسی تلاشش را می‌بینی تا آیین‌ها و سنت‌های منطقه جغرافیایی و انسانی خودش را به نمایش بگذارد پس تردیدی نیست نمایش آنها بر زیبایی کار خواهد افزود هم از منظر نمادشناسی هم به لحاظ زیبایی‌شناسی رهم به لحاظ تکرر فرهنگی. اتفاقا شکل‌گیری ارتباط میان آدم‌های مختلف از ره‌آورد همین به نمایش گذاشتن آیین‌ها و سنت‌ها شکل می‌گیرد. بسیار زیباست دیدن همراهی و هم صحبتی آدم‌هایی که حتی زبان هم را نمی‌دانند ولی ساعت‌ها کنار هم قدم می‌زنند و با هم ارتباط برقرار می‌کنند و جالب‌تر اینکه با هم گفت‌وگو می‌کنند، گفت‌وگو شاید نیاز امروز انسان‌ها باشد، گفت‌وگو با زبان‌های متفاوت برای رسیدن به درک مشترک و احترام به یکدیگر.